

باغ ایرانی بر بنیاد شاهنامه فردوسی

تصویر
Pic2



چکیده | در بسیاری از داستان‌های شاهنامه فردوسی از باغ، کاخ، شهر، ایوان و شارسان یاد شده که سیمای نخستین آنها در گذر زمان و دوران چند هزارساله دگرگونی‌هایی را پذیرفته است. این عناصر از محتوا و مفهوم نخستین خود به دلایل و عواملی که پرداختن به آن در مجال این گفتار نیست فاصله گرفته یا با حفظ پاره‌ای از جزئیات معنای عملکردی و مفهومی آن رنگ باخته، ولی هنوز نشانه‌هایی از جلوه‌های نخستین آن برجاست. به مدد پاره‌ای از گزارشات در تاریخ باستان و ادبیات ایرانی می‌توان چهره‌ای از مفهوم شهر یا باغ ایرانی را در دوران آغازین پیدایش آن در ذهن ترسیم کرد. در این جستار با اشاره‌ای به چند گواه از این دست برای روشن کردن بهر کوچکی از آن پرداخته می‌شود. یکی از منابع اصیل ایرانی که می‌توان از آن به پیدایش باغ و چهره نخستین یا نزدیک به آن دست پیدا کرد، گفتارهای حکیم فردوسی در شاهنامه اوست. هرچند در این نامه نامور پاره‌ای از رویدادها با جزئیات تمام گفته شده و خواننده خود را میان کارزار می‌بیند، در بسیاری از جای‌ها دوران درازی را کوتاه و یا در پوششی نهان داشته که بر پژوهندگان است، آن را از نهفت بیرون آورند و آشکار سازند. چه بسا گفتار فرزانه‌توس روشن است و سینۀ سینا می‌خواهد.

واژگان کلیدی | شاهنامه فردوسی، باغ، ایوان، کاخ، گلشن، آب روان.

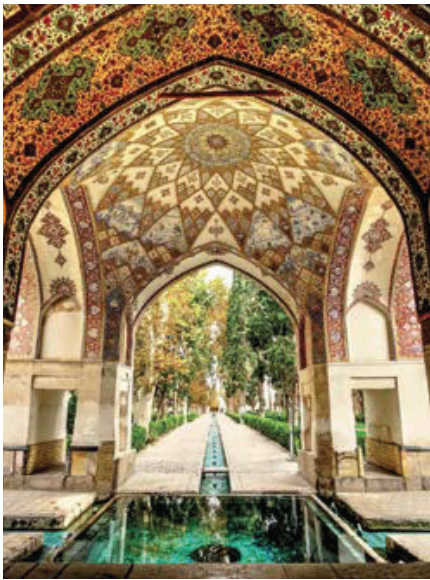


احمدعلی فرزین
دکتری معماری، استادیار
دانشگاه تهران

aafarzin@hotmail.com

تصویر ۲: ایوان، باغ و آب: ایوان به بارو و حصار دور باغ‌ها و شهرها، آب به جوی آب روان و باغ به بوستان و پالیز نام‌برده در شاهنامه اشاره دارد. باغ فین، کاشان، عکس: آیدا آل‌هاشمی، ۱۳۸۸.

Pic2: Ivan, garden and water: Ivan refers to rampart and fortifications surrounding gardens and cities, the water refers to water stream flowing and the garden refers to Bustan and Paliz in Shahnameh, Fin garden, Khashan, Iran. Photo: Ayda Alehashemi, 2009.



تصویر ۱: کوشک ورودی باغ فین کاشان را می‌توان شارسان دانست، یعنی جایی که چهارسوی آن بوستان‌ها باشد، مأخذ: www.panoramio.com

Pic 1: The entrance belvedere in Fin Garden of Kashan can be considered as Sharsan, where the garden is surrounded by gardens in the four directions. Source: www.panoramio.com

تصویر
Pic1

نخست از برش هندسی کار کرد
چو گرمابه و کاخ‌های بلند
چو ایوان که باشد پناه از گزند

در این ابیات و بعد از اشاره به شروع ساخت و سازهای معماری، برای نخستین بار از گرمابه و کاخ و ایوان نام برده می‌شود؛ بناهایی که از این پس از ویژگی‌های باغ یا شهر ایرانی به شمار می‌رود. نکته درخور نگرش بیت پایانی، کاربرد واژه "ایوان" و معنای آن در بین عناصر شهر و باغ است. این کاربرد واژگانی در همه گفته‌های فردوسی، به گونه‌ای است که از کاخ و ایوان به صورت دو عنصر جداگانه یاد شده و کاربرد ایوان را نیز روشن می‌کند.

چو ایوان که باشد پناه از گزند
چنین پیداست که "ایوان" بنایی غیر از کاخ است و چون کاربرد آن برای "پناه از گزند" آورده شده، روشن می‌شود منظور اشاره به بارو، حصار یا دیواری است که می‌توانسته بناهای دیگری مانند کاخ‌ها و باغ‌ها را درون خود جای دهد و از گزند در پناه دارد و هیچگاه مانند کاخ‌ها جمع بسته نشده است. این همان دیواری است که تا امروز باغ‌ها را در میان گرفته و از ویژگی‌های باغ ایرانی به شمار می‌رود و تا چند دهه پیش شهرها را نیز.

در بسیاری از داستان‌های شاهنامه و به مناسبت موضوع، از باغ، بوستان، شارسان، گلشن و پالیز و سایر تعبیر مربوط به باغ نام برده شده، ولی کمتر به توصیف ویژگی‌های باغ پرداخته شده است تا چشم‌اندازی روشن از تمامیت آن در ذهن شکل گیرد. با این حال در دو مورد که هر دو مربوط به داستان غم‌انگیز رفتن سیاوش از ایران به توران زمین می‌شود، می‌توان از دو جا که سیاوش آباد کرد و در آن گلشن، باغ، ایوان و کاخ بنا نهاد با درختان بسیار و آب‌های روان و پالیز و بوستان نام برد که ویژگی‌های باغ یا شهری باغ‌گونه را دارد که سیاوش -برورده فرهنگ و دانش ایرانی آن را در دیاری دیگر ساخته است. با بررسی شرح این دو جا از گفتار فردوسی می‌توان نسبت میان باغ و شهر ایرانی را دریافت. این دو جا یکی "کنگ دژ" سیاوش است و دو دیگر "سیاوش‌گرد" یا باغ سیاوش.

مقدمه | داستان‌های دوران باستان افزون بر ارزش ادبی و ظاهر افسانه‌ای دارای مطالبی نو و قابل کشف هستند که آنها را تصویرگر دوران باستانی و دیرین از یک سرزمین می‌کند. این تصاویر گرچه ممکن است دقت مطالب و اطلاعات علمی امروز را نداشته باشند، اما ریشه و اصالت ساختارها و واقعیات دوره‌های بعدی را در خود دارند و مرجع خوبی برای ریشه‌یابی اتفاقات بعد از خود به شمار می‌آیند. در این میان شاهنامه فردوسی را می‌توان به عنوان یکی از اسناد تاریخی و اسطوره‌ای ایران زمین و منبع موثقی برای درک قوانین و اصول حاکم بر شهر، باغ و زندگی ایرانی دانست. با بهره‌گیری از این نامه باستانی سخن‌سرای بزرگ -فردوسی طوسی- می‌توان ساختار اولیه و اصیل شهرهای ایرانیان را در دوران باستان جستجو کرد.

فرضیه | براساس اسناد ادبی ایران مانند شاهنامه فردوسی، باغ و شهر در یک قالب معنایی هستند و شهر مفهومی است که از دل باغ برآمده است. طبق این توصیفات، از لحاظ مفهومی جنبه باغ و بوستان بودن شارسان بر معانی دیگران غلبه دارد.

آغاز پیدایش شهر، کاخ و ایوان
در شاهنامه فردوسی، پس از گفتار اندر آفرینش خرد و عالم و در پی آن جاری شدن آب‌ها و رویش گیاهان، حکایت از پدید آمدن جنین‌گان می‌رود که این همه گویی آماده‌سازی بستری برای پدید آمدن انسان است.

چوزین بگذری مردم آمد پدید
شد این بندها را سراسر کلید

این نکته نشان می‌دهد سرشت انسان و روح طبیعت‌گرای او، علاوه بر نیاز، ریشه در شرایط محیطی پیدایش او نیز دارد. پس از آن به دوران جمشید می‌رسیم.

هر آنچ از گل آمد چو بشناختند
سبک خشت را کالبد ساختند
به سنگ و به گچ دیو دیوار کرد





تصویر ۳: ترکیبی خیالی از تداوم نشانه‌های به جا مانده از تصویر باغ سیاوش که عناصر یاد شده در داستان سیاوش را، کوشک، باغ، ایوان، جوی آب، باغ، بوستان و گل، جلوه‌گر می‌کند. مأخذ: نگارنده.

Pic3: Imaginative combination of the continuing signs left from the picture of Siavash garden story reveals the elements of this story by belvedere, garden, fortification, water, flower gardens and flowers. Source: Author.

تصویر دو نمونه شهر ایرانی، در شاهنامه فردوسی

• «کنگ دژ»

در داستان بنا شدن «کنگ دژ»، سیاوش به سرزمینی بیرون از خاک توران می‌رود و به منطقه‌ای خوش آب و هوا می‌رسد و بلندای کوهستانی که راه عبور آن هم تنگ و دشوار بود را برای هدف خود بر می‌گزیند و کنگ دژ سیاوخش را بنا می‌نهد. در شاهنامه پس از آنکه از خوبی‌ها، فراوانی و دل‌انگیز بودن منطقه تا رسیدن به آن شارسان می‌گوید، ویژگی‌هایی را شرح می‌دهد که باغ‌گونه بودن آن از جنبه‌های دیگر بارزتر است.

ز کنگ سیاوخش گویم سخن
و از آن شهر و آن داستان کهن
کزین بگذری شهر بینی فراخ
همه گلشن و باغ و ایوان و کاخ
همه شهر گرمابه و رود و جوی
به هر برزنی رامش و رنگ و بوی
بنا کرد جایی چنان دلگشای
یکی شارسان اندر آن خوب جای
بدو کاخ و ایوان و میدان بساخت
درختان بسیارش اندر نشاخت
بسازید جایی چنان چون بهشت
گل و سنبل و نرگس و لاله کشت

از این ابیات نیز نکاتی را می‌توان دریافت؛ نخست سنجش آن با دوران جمشید و آغاز ساختن بناهاست. در آنجا سخن از باغ، گلشن، بوستان، پالیز، رود و جوی که از ویژگی‌های شارسان است به میان نمی‌آید و تنها به عناصر معماری مانند گرمابه و کاخ که در پناه ایوان قرار دارد اشاره می‌شود. از این مضمون، چنین برداشت می‌شود که در این دوران مسئله اساسی ساختن فضایی بوده که انسان را از گزند در پناه نگه دارد. چنین به نظر می‌رسد از عهد جمشید تا روزگار سیاوش دورانی بس دراز سپری شده تا در ساختار نخستین و طی فرایندی تکاملی، آرام‌آرام، رود و جوی، گلشن، میدان و پالیز وارد ایوان شود و فضای درونی را به باغ، بوستان و شارسان بدل کند. چنانچه معنای شارسان آنگونه که در لغت‌نامه دهخدا آمده در نظر گرفته شود، این تصویر

پررنگ تر می‌شود؛ کوشک و عمارتی که در چهارسوی آن بوستان‌ها باشد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳۹۹۱)؛ (تصویر ۱).

بدین گونه کنگ دژ سیاوش در سنجش با دوران جمشید، ساختاری باغ‌گونه پیدا می‌کند. گلشنی فراخ با کوی و برزن و گرمابه و کاخ در پوششی از گل‌های بسیار و درختان و آب روان با همان ایوان نخستین در گرداگرد آن (تصویر ۲).

• باغ سیاوش یا سیاوخش گرد

در این داستان و در ادامه ماجرای کنگ دژ، پس از آنکه نامه افراسیاب به دست سیاوش می‌رسد، سپاه و بنه برمی‌دارد و به سویی که افراسیاب گفته بود می‌رود و "سیاوخش گرد" را که دو فرسنگ بالا و پهنا داشت بنا می‌کند. فردوسی این شهر را این‌گونه شرح می‌دهد:

از ایوان و میدان و کاخ ز پالیز وز گلشن ارجمند
در اینجا نیز عناصر اصلی این باغ مشخص می‌شوند: میدان، کاخ، پالیز و گلشن^۲ که ایوان آن را در پناه گرفته است (تصویر ۳).

بیاراست شهری بسان بهشت
به هامون گل و سنبل و لاله کشت
بر ایوان نگارید چندی نگار
ز شاهان وز بزم وز کارزار

در این باره افراسیاب ضمن اشاره به آبادان کردن زمینی خارستان توسط سیاوش، برادر خود گریسوز را به تماشای شهر می‌خواند.

برو شادمان تا سیاوخش گرد
ببین تا چه کردست بر گرد گرد
بجایی که بودی همه بوم خار
بسازید شهری چو خرم بهار

زمانی که پیران و یسه^۳ از سیاوش گرد می‌شنود برای دیدن آنجا شتاب می‌کند و سیاوش او را پذیرا می‌شود. در این دیدار نیز چند نکته جالب توجه وجود دارد که می‌توان برای یافتن تصویر شهر ایرانی به آن رجوع کرد:

بگشتند بر گرد آن شارسان
خوشامد ورا آنچنان خارسان
سراسر همه کاخ و ایوان و باغ
همی تافت هر سو چو روشن چراغ
سپهدار پیران بهر سو براند

بسی آفرین بر سیاوش بخواند

این ابیات نیز ضمن اشاره مجدد به خارسان بودن آن منطقه تا پیش از آباد ساختن سیاوش، به جنبه‌ها و عناصر طبیعی آن اشاره می‌کند. در مقابل خارسان، فردوسی به شارسان اشاره می‌کند که سه عنصر اصلی باغ، ایوان و کاخ را در خود دارد و در ادامه:

چو یک بهره از شهر خرم بدید

به ایوان و باغ سیاوش رسید

معلوم می‌شود که در اندرون ایوان بزرگ که تمام باغ و شهر را در بر می‌گرفته باغ‌های دیگر نیز بوده که ایوان داشته و باغ‌های کوچکتر را در خود جای می‌داده است، مانند باغ سیاوش که پیران پس از گردش در شهر به آن می‌رسد و سپس:

به کاخ فرنگیس بنهاد روی

چنان شاد و خرم و دیهیم جوی

باز هم معلوم می‌شود پس از آنکه از ایوان وارد باغ سیاوش می‌شوند تا رسیدن به کاخ دیگری که مربوط به فرنگیس است، راهی از میان باغ طی می‌کنند و به آن کاخ می‌رسد (تصویر ۴).

تصویر باغ شهر ایرانی در شاهنامه

با بازگشت به دو نمونه فوق در شاهنامه، تصویر ذهنی ما از باغ و شهر ایرانی روشن‌تر می‌شود. شهر ایرانی شهری است باغ‌گونه، سراسر جوی و آب روان. باغ و میدان و پالیز و گلشن که در پناه ایوان اصلی قرار دارد. کاخ‌های دیگر که هر کدام منزل‌گاه کسانی است دارای ایوان و باغ خصوصی هستند؛ مانند باغ سیاوش که کاخ فرنگیس در میان آن قرار دارد. شهری پراز پالیز و گلشن ارجمند و میدان‌ها با باغ‌های دیگر در مقیاس کوچک‌تر. توصیف عناصر شهری و آمیختگی مضامین مربوط به باغ و شهر برای ما چنان تصویری از شهرهای بنا شده توسط سیاوش ارایه می‌دهد که نمی‌توان شهر و باغ را از یکدیگر جدا دانست (تصویر ۵). گردش در شهر و تفرج در جایی که از خارستان به گلستان تبدیل شده است، نمایان‌گر این است که آباد کردن شهر و محیطی برای زندگی به معنای دقیق‌تر با هدف ساماندهی باغی در آنجا بوده است.

تصویر ۵: تفت، نمونه‌ای از باغ‌شهر ایرانی مورد اشاره در شاهنامه. مأخذ: www.mapnall.com

Pic5: Taft, a type of Persian Garden City mentioned in the Shahnameh, Source: www.mapnall.com

تصویر
Pic5



با اینکه در داستان‌های شاهنامه کمتر به توصیف ویژگی‌های باغ پرداخته شده اما از دو جا که سیاوش آباد کرد و در آن گلشن، باغ، ایوان و کاخ بنا نهاد با درختان بسیار و آب‌های روان و پالیزو بوستان، نام برده شده است که ویژگی‌های باغ یا شهری باغ‌گونه دارد. آمیختگی مضامین مربوط به باغ و شهر در این داستان‌ها چنان تصویری از شهرهای بنا شده توسط سیاوش ارایه می‌دهد که نمی‌توان شهر و باغ را جدا از یکدیگر تصور کرد.

شهر ایرانی به مثابه باغ

با ویژگی‌هایی که یک‌یک از گفتار فردوسی درباره کنگ‌دژ و سیاوش‌گرد بر می‌آید، آشکارا روشن می‌شود این دو جای که به دست سیاوش به عنوان شاگرد مکتب رستم و تربیت یافته اصیل ایرانی آباد شده است، باغ و بوستان و گلستانی است با آب‌های روان که بارویی آن را در پناه گرفته است. دیگر بناها همچون گرمابه و کاخ و برزن و میدان در آن جای گرفته‌اند و به دلیل بارز بودن وجه باغ‌گونه آن واژه باغ و شهر و شارسان همسان آورده شده است. همچنین هنوز در مقیاس کوچکتر ایوان و کوشک و عمارت و جوی آب روان، با درختان و پوششی از گل‌ها و گاهی گرمابه نیز عناصر اصلی باغ ایرانی به شمار می‌روند. همچنین با اشاره به داستان نخست ایجاد شهر، می‌توان گفت گرمابه و کاخ و ایوان از عناصر آغازین شکل‌گیری باغ ایرانی هستند.

همی گرد باغ سیاوش بگشت

بجایی که بنهاد خون زیر تش

از دیگر مواردی که باغ و شهر مترادف یکدیگر و با یک معنا ذکر شده باغ ارم در دیباچه شاهنامه است:

ز ابر اندر آمد به هنگام نم

جهان شد به کردار باغ ارم

باغ ارم، نام شهر عاد، باغ عاد یا نام شهری که شداد، پسر عاد بنا کرد، باغ یا شهر شداد، ارم شداد، تعریف شده است که این نام‌گذاری نیز خود سندی برای مترادف و هم‌معنی دانستن واژه‌های باغ و شهر است (شهیدی، ۱۳۷۷)

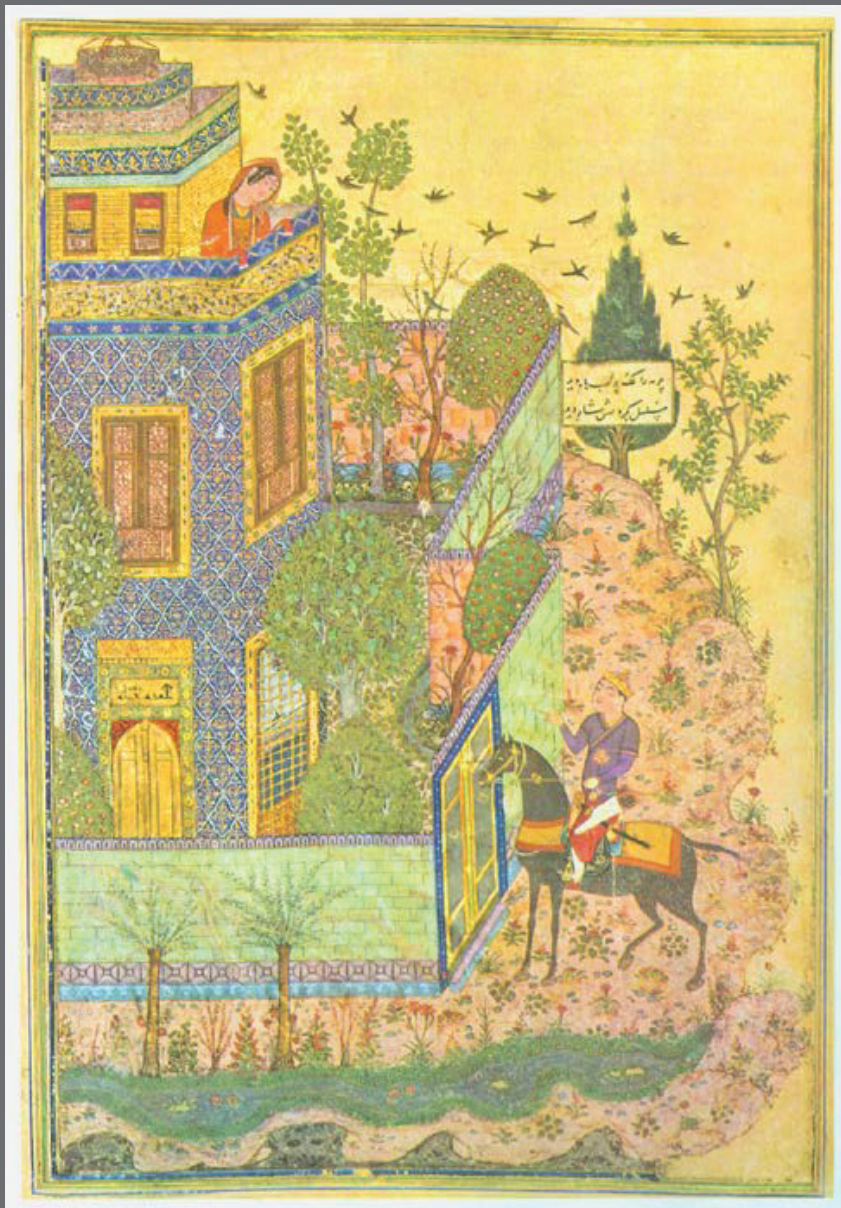
نتیجه‌گیری | با بررسی اسناد ادبی و تاریخی که از طریق شاهنامه به دست ما رسیده می‌توان ثابت کرد شهر ایرانی ساختاری باغ‌گونه داشته است و عناصر اصلی شهر، عناصری مربوط به باغ و باغ‌سازی هستند. شهر یا باغ‌شهر ایرانی را به سه دلیل می‌توان همان باغ ایرانی با ویژگی‌های باغ‌سازی ایران دانست. نخست دو نمونه شهر یا آبادسازی سیاوش که فردوسی از آنها به تفصیل سخن گفته و عناصر و فضاهای آن را مشروح ذکر کرده است. کنگ‌دژ و سیاوش‌گرد، هر دو شهرهایی هستند که توسط سیاوش بنا شده‌اند. سیاوش آبادگر این دو شهر، یک ایرانی اصیل است که شهرهای وی را در شاهنامه می‌توان نمونه‌ای از شهرهایی دانست که ایرانیان آن زمان می‌ساخته‌اند. دلیل دوم را می‌توان از خلال توصیفات فردوسی درباره عناصر شهری نام برده شده در شهر دانست. عناصری که همان عناصر باغ ایرانی هستند و به سبک باغ‌سازی اشاره دارد. از جمله می‌توان به واژگان کلیدی این عناصر مانند "ایوان" اشاره کرد. ایوان، به عنوان عنصر معماری که در دوران اولیه بنای شهرها از آن یاد شده است، عنصری محفوظکننده برای کل شهر و باغ به شمار می‌آمده که در توصیف شهرهای سیاوش به آن اشاره شده است. دلیل سوم را نیز می‌توان در فرهنگ لغات و نحوه کاربرد آنها در شاهنامه جستجو کرد. بدین ترتیب می‌توان شهر را در توصیف‌های این نامه نامور پارسی معادل باغ‌شهر یا باغ ایرانی دانست.

پی‌نوشت

- مانند شرح لشکرکشی‌ها و نشان درفش‌ها و نام کسان در قلب و میمند و مسیره سپاه.
- جای گل یا خانه گل (جنیدی، ۱۳۷۹: ۴۹).
- داماد افراسیاب و سپه سالار توران زمین.

فهرست منابع

- جنیدی، فریدون. (۱۳۷۴). زندگی و مهاجرت
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا.
- شهیدی مازندرانی، حسین. (۱۳۷۷). فرهنگ شاهنامه: نام کسان و جای‌ها. تهران: نشر بلخ.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۳). شاهنامه فردوسی، تصحیح: ژول مل. تهران: انتشارات سخن.
- تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بنیاد نیشابور.



تصویری ۴: نگاره همای و همایون را می‌توان جلوه‌ای از ایوان و باغ سیاوش و کاخ فرنگیس در درون سیاوش‌گرد دانست که در شاهنامه به محصور بودن و سلسله‌مراتب آن اشاره شده است و به روشنی نشان می‌دهد ابتدا ایوان، پس از آن باغ و کاخ قرار داشته است. مأخذ: Gray, 1995: 46

Pic4: Humay and Humayoun illustration can be considered as manifestation of Siavash fortification and garden and Farangis Garden within Siavash fort which has been addressed in Shahnameh for enclosure and hierarchy and clearly shows that the fortification, then the garden and lastly the palace were created respectively. Source: Gray, 46 :1995

تصویر ۴
Pic4

Persian Garden on the Basis of Ferdowsi's Shahnameh

Ahmad Ali Farzin, Ph.D. in Architecture, Assistant professor, University of Tehran, Iran.
aafarzin@hotmail.com

Abstract | In many stories of Shahnameh, a garden and an Ivan (fortification) of the palace and the city is mostly mentioned which have undergone multiple changes in their shape during thousand years of time. They have also distanced from their premier content and meanings due to multiple causes and factors that are not in the scope of this article, or they have maintained some details while functional and conceptual meanings have been faded. However, the signs of their early effects have still remained owing to some reports of Iran ancient history and Iranian literature that can reveal a perceivable face of the city or the garden in Iran in their early years of emersion. In this essay with a reference to some proves of this kind, the issue will be clarified.

One of the original Iranian resources in which the premier shape of garden can be perceived is the words anecdote in Ferdowsi's Shahnameh. Although a part of event with all the details are mentioned in this writing and the reader ultimately finds himself within the battlefield, many times a long period of time has been concealed and

the scholars have to reveal their mysteries since Ferdowsi is clear in uttering. Having scrutinized the Shahnameh, it is obvious that a barrier could keep other buildings such as gardens safe from enemies. It is a type of wall that surrounded gardens and today it is considered one of garden elements and one of city elements earlier. In the two stories of Gang Dej and Siavash Gard, considering Ferdowsi's narrations, it is clear that these two places which have been constructed by Siavash were gardens where water flowed and other buildings such as bathroom, palace and quarters and squares were included in this castle. It was named a garden city due to prevailing garden features in the city. Moreover, through the descriptions of Ferdowsi, mentioned urban are elements of Persian gardens which refer to gardening style. All the evidences indicate that the city can be described as the equivalent of Garden City or Persian Garden in the Shahnameh.

Keywords | Ferdowsi's Shahnameh, Garden, Ivan, Palace, Cultivated Field, Rosary, Flowing water.

Reference List

- Dehkhoda, A. (1998). *Loghatname- ye Dehkhoda* [Dehkhoda Dictionary], vol 9. Tehran: Tehran university publications.
- Ferdosi, A. (1994). *Shahname-ye-Ferdosi*. Edited by Mol, J. Tehran: Sokhan publications
- Gray, B. (1995). *La Peinture Persane*. Geneve: Alberta Skira S.A.
- Joneidi, F. (1995). *Aryans' life and migration on basis of Iranian speeches*. Tehran: Neyshabour foundation.
- Shahidi Mazandarani, H. (1998). *Farhang -e Shahnameh: persons*. Tehran: Balkh publications.